وکیل شرق

نام کوچک من

سعید دهقان

– من می خواهم نام کوچک خود را تغییر دهم. یک بار رفتم دادگاه قبول نکردند. باید چه کار کنم؟

وکیل شرق: سئوال شما خیلی مبهم و کلی بود و متوجه نشدم نام جدید شما چه بوده و یا دادگاه چه چیزی را و به چه دلیل نپذیرفته است. اما همین قدر می‌دانم که انتخاب نام‌هایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌شود و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس، ممنوع بوده و تشخیص نام‌های ممنوع نیز با شورای عالی ثبت احوال است. البته انتخاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است. حال، به بنده حق می‌دهید که وقتی اسم و مشخصات فعلی شما را ندارم و حتی نمی‌دانم مسلمان هستید یا معتقد به یکی از اقلیت‌های دینی رسمی، طبیعی است که به طور کلی و براساس حدس و گمان پاسخ دهم. آنچه مسلم است این که، قانون ثبت احوال برخلاف «نام‌خانوادگی» – که در ماده ۴۰ خود، تغییر آن را پیش بینی کرده – درباره «نام» چنین مجوزی را به صراحت نداده است. بنابراین، ظاهراً فقط در صورتی که نام فعلی شما، مشخصات بالا (زننده، نامتناسب و . . .) را داشته باشد، از ماده ۲۰ و تبصره‌های قانون ثبت برمی‌آید که می‌تواند قابل تغییر و جایگزینی با یک نام عادی و مجاز باشد.

مهریه و فسخ نکاح

خانم م– ن از تهران: مردی که با او ازدواج کردم پس از عقد و پیش از نزدیکی با تقدیم دادخواستی مدعی وجود دلیلی برای فسخ نکاح شد. او استدلال کرد که چون عیبی در من وجود دارد که از موارد فسخ است، فسخ پیش از نزدیکی واقع می‌شود و نیازی به پرداخت مهریه نیست. هنوز به این موضوع رسیدگی نشده بود که همسرم فوت شد و نکاح خود به خود بر هم خورد. اینجانب برای دریافت مهریه از ماترک وی (دارایی متوفی حین فوت)، به ورثه رجوع کردم، لیکن ایشان معتقدند، دعوی فسخ باید ادامه پیدا کند و در صورت اثبات، لزومی برای پرداخت مهریه نیست. حال با توجه به اینکه هدف اصلی از ادعای فسخ– فارغ از درستی یا نادرستی آن– ناممکن بودن زندگی خانوادگی و زوجیت از نظر مدعی فسخ بوده و با فوت وی نکاح خودبه‌خود برهم خورده است و دلیل وجودی ادعا از بین رفته لطفاً راهنمایی‌ام کنید.

وکیل شرق: این امر با وجود مالی بودن، بر نکاح که هدف اصلی آن تامین امور معنوی و خانوادگی است، سایه‌ای بس سنگین دارد. شاید تمام مشکلات قانونی در زمینه تفاوت فسخ و طلاق و یا قائل بودن به حق طلاق برای مرد و نظایر آن از وجود همین نهاد نشأت می‌گیرد. با اجرای قوانین موجود باید گفت، بله ایشان به لحاظ جنبه مالی موضوع، حق ادامه دعوا را داشته و ذی‌نفع تلقی می‌شوند و به صرف فوت زوج، دعوی فسخ منتفی نیست و خب می‌دانید که در صورت اثبات فسخ، مهریه‌ای به شما تعلق نمی‌گیرد.

vakilroaya@gmail.com

ضرورت رویکرد انسانی به زندان‌ها

یوسف مولایی*

وقتی زندان را در مسیر تاریخی خود بررسی می‌کنیم به مسائل بسیار جالبی برخورد می‌کنیم. زندان در گذشته محلی برای مرگ تدریجی محکومان بوده است. اشخاص را به زندان می‌فرستادند که در آنجا بمیرند. از آن تاریخ تا به امروز تحولات زیادی در چگونگی نگرش انسان به خصوص پژوهشگران عرصه اجتماعی رخ داده است. استانداردهای مختلفی در زندان‌های کشورهای توسعه‌یافته به اجرا گذاشته می‌شود که قابل انطباق با شرایط ایران نیست. در کشور ما مناطقی وجود دارد که از آب آشامیدنی سالم محروم هستند. تعدادی از هموطنان از سوءتغذیه رنج می‌برند. بخشی از هموطنان ما فاقد مسکن مناسب هستند. در چنین شرایطی بدیهی است که زندان‌های ما هم فاقد استانداردهای لازم باشد. یکی از دوستان زندانی تعریف می‌کرد که بعضی از زندانیان از اینکه در سفره خانواده آنها غذاهایی با کیفیت غذاهای زندان پیدا نمی‌شود بسیار غمگین هستند و می‌گویند که خانواده آنها به ندرت برنج و مرغ می‌خورند. بنابراین در بررسی وضعیت زندان‌ها باید به سطح توسعه جامعه توجه جدی مبذول شود. نمی‌توان زندان را به صورت مجزا و منفک از شرایط عمومی جامعه مورد بررسی قرار داد. حتی در بین زندان‌های کشور به لحاظ سطح رفاهی و بهداشتی سلسله مراتب وجود دارد. زندان اوین قابل مقایسه با زندان‌های استان‌ها و شهرستان‌ها نیست. منابع قابل توجهی برای مطالعه وضعیت زندان‌ها در اختیار داریم. اما مسئله اساسی در چگونگی تطبیق دستاوردهای مثبت کشورهای مختلف بر زندان‌های ایران است. در مقام مقایسه، قوانین ایران در زمینه حقوق زندانیان قابل مقایسه با فرانسه یا سوئیس نیست ولی این یک طرف قضیه است. استعدادها و ظرفیت‌های فرهنگی نقش زیادی ایفا می‌کنند. جامعه به لحاظ فرهنگی باید آمادگی پذیرش تحولات و اصلاحات را داشته باشد. ایجاد تحول در عرصه‌های اجتماعی و منجمله حقوق بشر یک عزم ملی می‌طلبد. چالش عمده‌ای که ما اکنون با آن مواجه هستیم معطوف به عرصه فرهنگی و پرورش انسان است. چرا جامعه در یک وضعیت نامتوازن و نامتعادل زمینه‌های ارتکاب جرم توسط شهروندان را فراهم می‌آورد. در کشورهای توسعه‌یافته به تناسب سطح توسعه، مسائل زندان هم تا حدی حل شده و یا به شیوه علمی مدیریت می‌شود. در کتاب آزادی‌های عمومی و حقوق بشر در فرانسه با اینکه یک کتاب جدیدی است ولی موارد زیادی درخصوص مسائل زندان در آن نیست. برای اینکه مسائل مربوط به بهداشت و سلامت زندان‌ها جدا از مسائل عام حقوق بشر در فرانسه پیش بینی نشده و زندانی نه به عنوان یک مجرم بلکه به عنوان یک شهروند در یک محیط خاص مد نظر قرار گرفته است. استانداردهای مربوط به رعایت بهداشت عمومی شامل حال زندانیان هم می‌شود. حتی مسائل مربوط به بیمه همگانی و تامین اجتماعی به زندانیان نیز تعمیم داده شده است. دستاوردهای ذی قیمتی که اروپایی‌ها در زمینه حقوق بشر کسب کرده اند شامل حال زندانیان هم است. اتفاقاً یکی از شاخص‌های توسعه حقوق بشر در اروپا بررسی وضعیت زندانیان است، مسائل حقوق بشر باید به صورت سیستمی مورد بررسی قرار گیرد. اگر حقوق بشر را به صورت یک ساختمان ببینیم، فونداسیون این ساختمان ظرفیت‌ها و استعدادهای فرهنگ ملی است. اگر فرهنگ فاقد استعداد باشد یعنی بارور نباشد، در آن صورت ساختمان شما همیشه در مقابل پدیده‌های بیرونی و حتی درونی آسیب‌پذیر می‌شود. با بزک کردن و تغییر دکوراسیون نمی‌توان بنیه این ساختمان را استحکام بخشید. اگر فرهنگ ملی ما در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز اعضای جامعه و نحوه تعامل انسان‌ها بدون توجه به نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، دارای استعداد باشد و بتواند در زمینه مدیریت منافع متضاد اعضای جامعه رویکرد عدالت‌گرایانه داشته باشد در آن صورت ما می‌توانیم در یک روند تاریخی و گام به گام به سوی درک مسائل حقوق بشر حرکت کنیم. در غیر این صورت کپی‌برداری از قوانین کشورهای مختلف کمکی به ما نخواهد کرد. از حدود قرن هفدهم وضعیت زندان‌ها توجه حقوقدانان را بیشتر به خود جلب می‌کنند. کشور هلند از جمله کشورهایی است که در قرن هفدهم ضرورت تفکیک و تقسیم‌بندی زندان‌ها را مطرح می‌کند و رویکرد انسانی به زندان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و به‌طور کلی تحولات فکری و جنبش‌های اجتماعی تاثیر خود را بر زندان‌ها هم می‌گذارند. انجمن حمایت از زندان‌ها از جمله اولین NGOها است که در حدود سال ۱۷۸۵ در آمریکا شکل گرفت. در اروپا مقررات مربوط به زندان‌ها– که از اوایل قرن نوزدهم تدوین شده است و در قسمت پایانی بعضی از اسناد بین‌المللی مرتبط با زندانیان معرفی می‌شود– قبل از همه اسناد پایه‌ای حقوق بشر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌بایستی مورد توجه قرار گیرند. کنوانسیون منع شکنجه کنوانسیون کودک و کنوانسیون چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن هم قابل ذکر هستند که در مواردی به حقوق زندانی پرداخته‌اند. در مرحله بعدی می‌بایستی از معاهداتی یاد کرد که ارتباط بیشتری با موضوع رفتار با زندانیان دارند. از این گروه می‌توان به مجموعه مقررات حداقل برای رفتار با زندانیان (RMT) اشاره کرد که در سال ۱۹۵۵ در ژنو به تصویب رسید و توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قطعنامه‌های (xx۱۷) c۶۶۳ مورخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۵ و (LxII) ۲۰۷۶ مورخ ۱۳ مه ۱۹۹۷ مورد تائید قرار گرفت. اصول اساسی مداوای زندانیان مصوب ۱۹۹۰ نیز شامل دستورالعمل‌های باارزشی درخصوص حمایت از سلامتی و رعایت بهداشت زندانیان است. بخشی از قواعد حمایت از جوانان محروم از آزادی که باز هم مصوب سال ۱۹۹۰ در سازمان ملل است شامل مسائل بهداشتی زندانیان است. دو مجموعه مقررات ناظر به زندان و وضعیت زندانی در اروپا مصوب ۱۹۸۷ هم رعایت حقوق زندانی را در سراسر اروپا مورد توجه قرار می‌دهد. کنوانسیون رعایت حقوق زندانی و مراقبت‌های بهداشتی اروپا مصوب ۱۹۹۲، گزارشات دوره‌ای این کنوانسیون و قانون ۱۹۹۹ فرانسه ناظر به نحوه اداره زندان‌ها مورد اشاره هستند. قانون مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۹۴ فرانسه حق برخورداری از سلامت جسمی و روانی زندانیان و بیمه اجباری محبوسین در چارچوب رژیم عمومی بیمه‌های اجتماعی را مورد تاکید قرار می‌دهد.

حقوق زندانی

* گزیده سخنرانی در نشستی از انجمن دفاع از حقوق زندانیان

شورای نگهبان ایران و شورای قانون اساسی فرانسه

محمدرضا رزاقی

حقوق تطبیقی

در سال‌های اخیر عملکرد شورای نگهبان همواره مورد مداقه و توجه حقوقدانان و سیاسیون بوده است و در این راستا به طور مداوم پرسش‌هایی در مورد ساختار شورای نگهبان، انتخاب اعضای آن و وظایف و اختیارات این شورا مطرح شده است. ناگفته نماند که پیکان همه انتقادات و پرسش‌ها به سوی وظیفه نظارت آن شورا بر انتخابات بوده است. در این گفتار سعی شده است تا با مقایسه جایگاه شورای نگهبان در ایران و شورای قانون اساسی فرانسه شرایط شورای نگهبان در ایران ریشه‌یابی شود.

در مقایسه نظام حقوقی فرانسه با نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مسلم است که در هر دو نظام ضرورت وجود ساز و کاری برای کنترل مصوبات قوه مقننه و عدم مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی درک شده و بر وجود نهادی که متکفل چنین امر خطیری باشد همت گماشته‌اند.

۱– اعضای شورای قانون اساسی فرانسه انتصابی هستند و از طرف ۳ مقام عالی‌رتبه سیاسی منصوب می‌شوند. شورای قانون اساسی دارای ۹ عضو است ۳ عضو شورای مزبور توسط رئیس جمهور، ۳ عضو توسط رئیس شورای ملی و ۳ عضو دیگر توسط رئیس مجلس سنا انتخاب می‌شوند. علاوه بر ۹ عضو پیش بینی شده روسای جمهور قبلی کشور مادام‌العمر عضو شورای قانون اساسی هستند.

اعضای شورای قانون اساسی فرانسه لزوماً حائز شرایط خاص چون «عدالت» نیستند و از بین مقامات سیاسی انتخاب می‌شوند که دارای تجربیات سیاسی و اداری هستند. در حالی که وظیفه شورا که تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی است هرچه بیشتر ضرورت برخوردار بودن اعضا از تحصیلات و اطلاعات حقوقی را نمودار می‌سازد.

اما قانون اساسی فرانسه دارا بودن شرایط علمی را برای اعضا ضروری ندانسته است. اعضای شورای نگهبان ۱۲ نفر و مرکب از ۶ نفر فقیه و ۶ نفر حقوقدان هستند که فقها منصوب رهبری بوده و حقوقدانان نیز به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و رای مجلس انتخاب می‌شوند. اعضای شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران – چه حقوقدانان و چه فقها – دارای تحصیلات حقوقی دانشگاهی و حوزوی هستند. همچنین شرط عدالت اعضا هر چند فقط به طور صریح برای فقها در نظر گرفته شده است، در کنار علم و آگاهی به مقتضیات زمان اعضا را در قبال گرایش‌ها و علقه‌های خاص سیاسی مصون نگه می‌دارد این ضمانت اجرای اخلاقی به نظر می‌آید ضروری و لازم باشد.

۲– ریاست نیز در شورای قانون اساسی و شورای نگهبان از دید تطبیقی قابل ملاحظه است. شورای قانون اساسی فرانسه دارای یک رئیس است که بدون شرط خاص از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود و نیز در اتخاذ تصمیمات شورا نقش حائز اهمیتی دارد. چنانچه در اتخاذ تصمیمات شورا نتیجه رای‌گیری مساوی باشد (نیمی موافق و نیمی مخالف) رایی که متضمن رای رئیس شورا باشد ارجح است. این امر یک امتیاز برای شخص ریاست شورا و همچنین رئیس جمهور است که می‌توانند در تصمیمات شورا اعمال نفوذ کنند. رویه از آغاز تاسیس شورا تاکنون این طور بوده که رئیس جمهور از بین اعضای انتصابی خود فردی را به عنوان رئیس انتخاب کرده است. در شورای نگهبان ایران ریاست نداریم بلکه همه اعضا دارای رای کمی و کیفی مساوی هستند.

۳– در نظام حقوقی فرانسه شورای قانون اساسی همانند یک دادگاه اداری عمل می‌کند و اشخاص خاص مقرر در قانون در مقابل شورا حق رجوع دارند یعنی می‌توانند در قبال مصوبه‌ای که به ضرر آنها است یا به تشخیص آنها مغایر با قانون اساسی است موضع گیری کنند و از نظر و عقاید خود با ارسال لایحه دفاع کنند.

اما در ایران شورای نگهبان نهادی است کاملاً متفاوت با یک دادگاه. اصولاً در شورای نگهبان رسیدگی ترافعی چه به صورت قضایی و چه اداری انجام نمی‌شود.

مصوبات مجلس خود به خود به شورا فرستاده می‌شوند. تائید مصوبات مجلس بر طبق اصول قانونی و شرعی امری اختیاری نیست تا این حق برای کسی باشد که مصوبات را به شورا بفرستد یا نفرستد. لذا تفاوت شورا و امتیاز شورای نگهبان کاملاً واضح و روشن است. خلاصه آن که رسیدگی شورای قانون اساسی فرانسه ترافعی و رسیدگی در شورای نگهبان غیرترافعی است. یعنی نمی‌توانید برای اعتراض به مصوبه مجلس یا نظر شورا از این مرجع درخواست رسیدگی کنید.

۴– در حقوق ایران کنترل قوانین تابع روشی اجباری است و باید قوانین مصوب خود به خود از کانال شورای نگهبان بگذرند تا به مرحله امضای ریاست جمهوری برسند. پس شیوه کنترل در این یک نوع کنترل همه‌جانبه بر کلیه مصوبات مجلس است و در این راه هیچ قاعده‌ای مستثنی نیست. اما در فرانسه کنترل قوانین کنترلی همه‌جانبه و جامع نیست بلکه وجود حق ارجاع برای مقامات تعیین‌شده از طرف قانون اساسی موجب شده است که در عمل یک نوع سوءاستفاده از حق به وجود آید و در مقام عدم انتفاع از نقض قانون است که مسئله به شورای قانون اساسی ارجاع می‌شود. به عبارت روشن‌تر چنانچه هیچ یک از مقامات معین شده (در قانون) متحمل ضرری از ناحیه قانون یا عهدنامه وضع شده شوند و دغدغه رعایت قانون اساسی را نیز نداشته باشند آن مصوبه هیچ‌گاه به شورا ارجاع نخواهد شد و مغایرت مصوبه با قانون اساسی و یا مقررات اساسی دیگر مانع از معتبر شدن و لازم‌الاجرا شدن آن نمی‌شود. این امر با هدف ما از کنترل سازگار نیست.

۵– موضوع بسیار مهم در مورد محدوده موضوعی کنترل قوانین در نظام حقوقی فرانسه عدم امکان نظارت بر قوانین مصوب رفراندوم است که از رویه عملی شورای قانون اساسی به دست آمده است. قانون اساسی فرانسه نیز در این مورد سکوت کرده است. اما نظر شورای قانون اساسی در این مورد حائز اهمیت است که بیان می‌دارد «چون اعمال همه‌پرسی اعمال حاکمیت ملی است و بالاتر از حاکمیت ملی چیزی قرار ندارد، – بلکه کلیه قوا زیر نظر آن قرار دارند و باید تابع آن باشند. – لذا قانون مصوب از طریق رفراندوم را نمی‌توان مورد بررسی و نظارت قرار داد.» اما در نظام حقوقی ایران نه در قانون اساسی و نه قوانین دیگر در این مورد نصی نداریم و در عمل نیز در طول دوره استقرار جمهوری اسلامی همه‌پرسی صورت نگرفته است تا ببینیم رویه چگونه است.

خبرها

بررسی حقوق انسانی زن

شرق: میزگرد «بررسی حقوق زن» با سخنرانی آیت‌الله موسوی بجنوردی، دکتر شهلا معظمی استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دکتر رضا قراچورلو استاد دانشگاه آزاد اسلامی از ساعت ۱۶ امروز در باشگاه دانشگاه تهران واقع در خیابان ۱۶آذر، جنب دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی برگزار می‌شود.

محکومیت خواندگان پرونده هموفیلی

ایسنا: رئیس شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کارکنان دولت مستقر در مجتمع قضایی شهید بهشتی، صبح دیروز حکم پرونده موسوم به شاکیان هموفیلی را صادر کرد. قاضی حسین محمدخانی گفت: حکم صادره مربوط به ۱۶۹ فقره پرونده از مجموعه ۲۱۷ فقره پرونده خواهان‌ها است و بقیه ۴۸ پرونده تا زمان صدور حکم نهایی مفتوح باقی خواهد ماند. قاضی شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کارکنان دولت، با بیان اینکه رای صادره بیش از ۱۵۰ صفحه است و شامل ۴۸ عنوان است اظهار داشت: اصل ۱۷۱ قانون اساسی صراحتاً اعلام می‌کند که خسارات معنوی باید مورد توجه قضات قرار گیرد، همچنین اصل ۱۶۷ این قانون قاضی را مخیر کرده در مواردی که صلاح بداند بنا به منابع معتبر فقهی و فتاوی رای لازم را در این رابطه صادر کند که در این پرونده دولت برای نخستین بار به پرداخت خسارت محکوم شده است و این اقدام یک کار جدید تاریخی در دستگاه قضایی است. وی در پایان خاطرنشان کرد: پرداخت خسارت دیه، خسارت معنوی و عذرخواهی رسمی خوانندگان در رسانه‌های گروهی طبق رای صادر شده به زودی به اجرا در می‌آید، مبلغ خسارت مادی براساس اظهارنظر پزشکی قانونی است و تعیین میزان خسارت معنوی هم برعهده دادگاه بوده که پرداخت خسارت معنوی به صورت ریالی و تامین داروها تا زمان بهبودی کامل برای خواهان‌های پرونده از جمله موارد تامین خسارت معنوی است.

تشکیل انجمن آزاد وکلای دادگستری ایران

ایسنا: اولین مجمع عمومی موسس انجمن آزاد وکلای دادگستری ایران روز یکشنبه برگزار شد. حسین عسگری‌راد اهداف تشکیل این انجمن را چنین برشمرد: حفظ و حمایت حقوق صنفی و حرفه‌ای اعضا، انتشار نشریه تخصصی و ایجاد پایگاه اینترنتی برای اعضا و کاربران ذی‌ربط، برگزاری جلسات، همایش‌ها و سمینارهایی جهت تبیین مسائل صنفی و تخصصی، کوشش در جهت استقرار حاکمیت قانون و پاسداری از حقوق اساسی مردم، کوشش در جهت معرفی اهمیت حرفه وکالت و نقش آن در برقراری عدالت و امنیت، تلاش در جهت همکاری با حقوق‌دانان و مجامع تخصصی در امور حقوقی، تلاش برای تامین و حفظ استقلال کانون‌های وکلای دادگستری، بررسی، نقد و اظهار نظر تخصصی در خصوص لوایح، طرح‌ها و مصوبات قانونی و بخش‌نامه‌ها و انتشار آن و ارائه پیشنهادات لازم و تلاش در جهت گسترش و تقویت صلاحیت عام دادگاه‌های دادگستری.